



بعثتی جهانی برای مقاومت

اربعین را باید از زبان زائران شهید روایت‌هایی از ایمان، دل‌تنگی، ایثار و قدم‌هایی که هر کدام قصه‌ای برای گفتن دارند.

امسال نیز توقیف یار شد تا همراه گروه رسانه‌ای فرهنگی عطش رهسپار کشور عراق شود؛ سفری که برای من تنها مأموریتی خبری نبود، بلکه فرصتی بود برای شنیدن روایت‌هایی که در هیچ آمار و گزارش رسمی نمی‌گنجند. موبک فرهنگی رسانه‌ای عطش نیز برای پنجمین سال متوالی همزمان با ایام اربعین، فعالیت رسانه‌ای و فرهنگی خود را در کربلا، مللی آغاز کرده است؛ تلاشی برای ثبت و روایت آنچه در دل این حماسه عظیم مردمی جریان دارد.

اربعین را نمی‌توان تنها با آمار میلیون‌ها زائر، هزاران موبک و صدها کیلومتر مسیر پیاده‌روی توصیف کرد. عظمت این اجتماع، فراتر از اعداد و ارقام است. حقیقت اربعین در میان اشک‌های یی‌اختیار زائران، لب‌خندهای خالصانه خادمان، خستگی شیرین قدم‌ها، دعا‌های زمزمه‌شده در میان راه و دلدادگی‌هایی نهفته است که هر زائر با خود حمل می‌کند. اینجا هر عمود، خاطره‌ای را در خود جای داده و هر چهره، روایتی دارد که شاید هرگز در هیچ گزارش رسمی ثبت نشود.

در روزهایی که در مسیر نجف تا کربلا هم‌قدم زائران بودم، با مردان و زنانی از شهرهای مختلف ایران مصحبت شدم؛ کسانی که هر یک با نیتی متفاوت راهی این سفر شده بودند؛ یکی به شوق زیارت، دیگری برای ادای نذر، آن یکی به یاد شهید، یکی برای تعجیل در فرج و دیگری برای یافتن آرامشی که تنها در این مسیر تجربه کرده است. تفاوت روایت‌ها بسیار بود، اما در همه آنها یک حقیقت مشترک موج می‌زد: عشق به سیدالشهدا(ع). آنچه پیش‌روی شماست، مجموعه‌ای از همین روایت‌های بی‌واسطه است؛ روایت‌هایی که نه از پشت میز تحریر، بلکه از دل جاده، از کنار موبک‌ها، میان ازدحام زائران و در سایه پرچم‌های پرافتخار «یا حسین(ع)» ثبت شده‌اند. روایت‌هایی که نشان می‌دهد اربعین، پیش از آنکه یک سفر باشد، مدرسه‌ای برای ایمان، همدلی، ایثار، خدمت و عشق است؛ مدرسه‌ای که هر سال میلیون‌ها انسان را گرد یک پرچم جمع می‌کند و هر زائر، خود به راوی بخشی از این حماسه بزرگ تبدیل می‌شود.

آرامش‌هایی که متوقّف نشود

«فاطمه سلیمانی، اهل شیراز هستم و برای دومین بار است که در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنم. خدا را شکر توفیق پیدا کردم از این فضای معنوی و حسینی به‌رمند بشوم و در کنار مردم عزیز و مهمان‌نواز عراق، مسیر نجف تا کربلا را طی کنم. دوستان زیادی بودند که امسال توفیق حضور در اربعین را نداشتند و از این موضوع نراتح بودند من هم اگر نمی‌توانستم در این سفر شرکت کنم، بی‌شک حسرت بزرگی بر دلم می‌ماند. پیش از حرکت هیچ ترس‌ی نداشتیم، حتی وقتی معظم‌له به شلمچه راه شنیدم، تصمیم برای آمدن محکم‌تر شد. خواستم به آمریکا نشان دهیم که اگر به مرزها یا حتی عراق حمله کند، تصور نکرد زائران از این

تقدیم کردم. نسبت به دو سال قبل، جمعیت زائران بسیار بیشتر شده است. تا این عمود که آمده‌ام، چیزی جز زیبایی، محبت و همدلی ندید‌ام. وقتی شنیدم شلمچه را هدف قرار داده‌اند، بعضی‌ها گفتند سفر نرو، اما گفتم فرقی نمی‌کند کجا باشم؛ باید به این مسیر بایام. پیش از سفر هم هیچ ترس‌ی نداشتم و با اطمینان قدم در این راه گذاشتم. موبک‌های عراقی با همه وجود از زائران پذیرایی می‌کنند. محبت، اخلاص و زحمتی که برای خدمت به عاشقان امام حسین(ع) می‌کنند، حقیقتاً ستونی است. از زمانی که امام حسین(ع) را شناختم، زندگی‌ام دگرگون شد. بعد از ازدواج، بیشتر وقت و توانم را صرف خدمت به حضرت کردم و از سال ۱۳۶۷ نیز توفیق خادمی امام حسین(ع) را داشتم. سال‌هاست در خاتمان مجلس هیئت برپا می‌کنیم و این را بزرگ‌ترین برکت زندگی خود می‌دانم. دوست دارم قدم‌هایی را به همه شهید، به‌ویژه شهیدابراهیم هادی تقدیم کنم. همیشه زندگی و اخلاص او برایم الهام‌بخش بوده است. همچنین این مسیر را به نیت رهبر و فرماندهان شهیدانم قدم برمی‌دارم و از خدا می‌خواهم این هدیه ناچیز را به روح بلند آنان برساند؛ بزرگ‌درمانی که برای اسلام و مردم، رنج‌ها و مجاهدت‌های بسیاری را به جان خریدند.»

دعوتی که تاگهانی رسيد

«مهران امینی، زائر اهل مشهد هستم و نخستین‌بار است که به اربعین آمده‌ام. آمدنم کاملاً دلی بود. چند سال آرزوی این سفر را داشتم، اما قسمت نمی‌شد. امسال ناگهان احساس کردم امام حسین(ع) مرا طلبیده است. کار و همه مشغله‌ها را کنار گذاشتم و با خودم گفتم، باید به اربعین بروم.

از ابتدای ماه محرم تصمیم را گرفته بودم. احساس می‌کردم اگر امسال هم به این سفر نایم، در برابر امام زمان(عج) و امام حسین(ع) رنمده خواهم بود.» در روزهایی که جنگ و حملات ادامه داشت، خاتوادام، همسر، فرزندان و مادرم نگران بودند و از من می‌خواستند سفر نکنم. مادرم خیلی گریه می‌کرد، اما به آنها گفتم مگر من چه تفاوتی با دیگر زائران دارم؛ اگر قرار است عاشقان امام حسین(ع) در این مسیر باشند، من هم باید بروم.

پیش از سفر نیت‌نگرانی‌ام خاتوادام بود؛ اینکه اگر اتفاقی بیفتد و من کنارشان نباشم، چه خواهند کرد. اما وقتی وارد مسیر پیاده‌روی شدم، آرامش عجیبی وجودم را فرا گرفت. احساس کردم امام حسین(ع) مرا دعوت کرده و لایق حضور در این راه دانسته است. این حس برایم وصف‌نشدنی بود.

در تمام مسیر برای تعجیل در فرج حضرت ولی‌عصر(عج) دعا کردم و همه کسانی را که از من خواسته بودند یادشان کنم، در دعا‌هایم شریک کردم. تا اینجا آمدم هیچ سختی‌ای احساس نکرده‌ام. مردم عراق با تمام وجود از زائران پذیرایی می‌کنند و حقیقتاً سنگ‌ندام می‌گذارند. امروز ظهر یکی از کارگران عراقی ما را به خانه خودش دعوت کرد و با نهایت محبت ما را پذیرایی کرد. این میزان از اخلاص و مهمان‌نوازی، از زیباترین خاطرات این سفر برای من خواهد بود.



مسیر بازمی‌گردد؛ بلکه ما با قدرت و اتحاد بیشتری پای انقلاب، آرمان‌ها و اعتقاداتمان می‌ایستیم و تا آخرین قطره خون از آنها دفاع خواهیم کرد. در تمام مسیر برای تعجیل در ظهور حضرت ولی‌عصر(عج)، سلامتی رهبر معظم‌له و همه کسانی که آرزوی حضور در این راه را داشتند اما توفیق نیافتند، دعا کردم. قدم‌هایی را به روح شهید حاج قاسم سلیمانی تقدیم می‌کنم؛ شهیدی که برای ایران و منطقه ارزشمند و ماندگار است. این سفر را به نیت او آغاز کردم، چرا که باور دارم مجاهدت‌های او زمینه‌ساز امنیت این مسیر و حضور میلیون‌ها عاشق در راه امام حسین(ع) بوده است.»

روایت‌هایی از ایمان در مسیر عشق

تا عمود ۳۲۷، صحنه‌ها زیبایی بسیاری دیدم، اما بیش از همه مسائری توجهم را جلب کرد که فرزندانم را با کالسکه در این مسیر همراه آورده بودند. این صحنه نشان می‌داد که ایمان و محبت به اهل‌بیت(ع) از همان سال‌های نخست زندگی در دل فرزندان شاکسته می‌شود. حضور کودکان خردسال در مسیر اربعین، جلوه‌ای زیبا از تربیت نسل عاشورایی است. صحنه دیگری که برایم ماندگار شد، پرچم‌هایی بود که مردم به یاد رهبر شهید بر دوش داشتند و با آنها قدم برمی‌انداختند. این تصاویر یادآور ایستادگی در برابر ظلم و این حقیقت بود که در روز و بار نیت نباید خفت نشست. از شهادت زاهد رهبر و فرماندهانم، اندوهگین هستیم، اما با همه وجود عهد می‌ندیم که تا آخرین قطره خون، در مسیر اسلام، انقلاب و آرمان‌های شهدا ثابت‌قدم بمانیم. در ادامه، پای صحبت مادر صاحب فرزندان خردسال نشستیم.

از تردید تا دلدادگی در مسیر اربعین

«مرضیه غفاری، اهل تهران هستم و دومین بار است که در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنم و از تهران به این سفر آمده‌ام. بار اول که به اربعین آمدم، با خودم گفتم دیگر به این مسیر بازنمی‌گردم، اما همین که دیدم اربعین را برایم رسيد، دلم آرام و قرار نداشتم. احساس کردم این دعوت، لطف خدا اقا امام حسین(ع) بود و دوباره راهی شدم. همه زندگی من امام حسین(ع) است و اگر لازم باشد، جانم را هم در این راهان تقدیم می‌کنم. از همان نخستین قدمی که در این مسیر برداشتم، سرشار از شادی و آرامش شدم و تمام قدم‌هایی را به محضر حضرت ولی‌عصر(عج)

فکر، آگاهی و روشنگری، پیام اربعین و خواسته‌نامه(ع) را به مردم دنیا منتقل کنیم. من از نسل دفاع مقدس هستم. زمانی که به جبهه رفتم، هفده سال بیشتر نداشتم. عشق به اسلام، اهل‌بیت(ع) و لیبیک به فرمان امام خمینی(ره) باعث شد لباس زرم پوشوم و در کنار دیگر رزمندگان از کشور دفاع کنم. در آن سال‌ها با اسلحه در برابر دشمن می‌ایستادیم، اما امروز میدان نبرد تغییر کرده است. اکنون باید با اندیشه، بصیرت و روشنگری در برابر دشمنانی که علیه اسلام فعالیت می‌کنند، ایستادگی کنیم. تا آخرین نفس تلاش خواهم کرد هر کاری از دستم برمی‌آید برای



سفرنامه راهپیمایی اربعین ۱۴۰۵

جاداه عشق؛ آن‌سوی آمار میلیون‌ها زائر

دفاع از اسلام و آرمان‌های آن انجام دهم. یکی از سخنانی که همیشه در ذهنم مانده، تأکید بر اتحاد و همدلی مردم است؛ اینکه تنها با وحدت است که دشمن نمی‌تواند کوچک‌ترین آسیبی به اسلام وارد کند. این جمله برای من همواره یک راهنما بوده است.

نخستین لحظه‌ای که وارد محضر امام حسین(ع)، بین‌الحرمین و حرم حضرت ابوالفضل(ع) شدم، قدم‌هایی را به نیت رهبر شهید برداشتم و برای عزت اسلام و مسلمانان دعا کردم. یکی از ماندگارترین خاطراتم مربوط به اربعین سال ۱۴۰۲ است. همراه چند نفر از دوستانم بودیم که چند نوجوان عراقی، با وجود تفاوت زبان، ما را به خانه خودش دعوت کرد و به خانه‌شان بردند. با محبت از ما پذیرایی کردند، غذا دادند و حتی گفتند استراحت کنیم و لباس‌هایمان را عوض کنیم. تنها دلیل این همه

محبت، زائر بودن ما بود. این اخلاص و عشق مردم عراق به زائران امام حسین(ع) هرگز از ذهنم پاک نخواهد شد. از خادوانی می‌خواهم به برکت اهل‌بیت(ع)، تا زمانی که توان دارم، در مسیر دفاع از اسلام، وحدت مسلمانان و آرمان‌های اهل‌بیت(ع) ثابت‌قدم بمانم و بتوانم سهمی هرچند کوچک در پاسداری از این راه داشته باشم.»

موبکی که خاتوادام نهادا در دور هم جمع کرد

«میثم عباسی، فرزند شهید محمدتقی عباسی از رزمندگان بسیجی دوران دفاع مقدس هستم. از حدود سال ۱۳۹۰ توفیق پیدا کردم در مسیر خدمت به زائران امام حسین(ع) قدم بردارم. چون اصالتاً اهل تهران هستم، از همان روزهای نخست که مرزها برای مردم زائران باز شد، به‌صورت خوادگی تصمیم گرفتم موبکی هرچند کوچک برپا کنم.

کارمان را با پذیرایی ساده و در تعداد محدود آغاز کردم؛ اما به لطف امام حسین(ع)، امروز نزدیک ۵۰۰ خانواده از بستگان و خانواده‌های معظم شهیدا حدود ۲۰ روز در کنار هم جمع می‌شوند و هر کس به اندازه توان خود در خدمت‌رسانی سهیم است. کودکان، جوانان، مادران و پدران، همه در این موبک نقش دارند و همین همدلی، بزرگ‌ترین سرمایه مااست. این موبک

فقط محل پذیرایی از زائران نیست؛ باعث شده اعضای خوادوه و اقوامی که در شهرها و استان‌های مختلف زندگی می‌کنند، هر سال در ایام اربعین دور هم جمع شوند و در کنار خدمت به زائران، پیوندهای خانوادگی خود را نیز محکم‌تر کنند. به برکت امام حسین(ع) و شهید، این توفیق نصیب ما شده و از چند روز پس از اربعین نیز خدمت‌رسانی به زائران ادامه دارد. من تنها ۲۱ روز داشتم که به‌دومر بصورت داوطلبانه راهی جبهه شد و در منطقه شاخ‌شمیران کردستان به شهادت رسید. قسمت نند ایشان را از نزدیک بینم، اما سال‌هاست از دوستان، هم‌زمان و سنگان، خاطرات فراوانی از اخلاص و کرامات او شنیدم. یکی از خاطراتی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، مربوط به یکی از همکارانم است که با مشکلی

حسین(ع) به زائران خدمت کنم. در حال حاضر بیشتر برای خدمت در موبک می‌آیم. از بیست‌وپنجم ماه محرم خوادمان را به موبک می‌رسانیم و تا حدود یک هفته مانده به اربعین، در کنار دیگر خادمان مشغول خدمت‌رسانی هستم. به اعتقاد من، مهم‌ترین پیام اربعین برای مردم دنیا، همبستگی و حرکت در مسیر امام حسین(ع) است. اگر بخواهم تنها یک واژه از مکتب حضرت سیدالشهدا(ع) ثابت موبک مالست و هر سال با عشق به زائران خدمت می‌کند. از این دست خاطرات و توسل‌ها در درباره شهیدا در میان دوستان و آشنایان کم نیست و ما بارها آثار و برکات



سید محمد مشکوه‌الممالک

بخش اول

کربلا را به یاد طبعی می‌کردم، اما امروز افتخار می‌کنم که در جایگاه خدمتگزار زائران باشم. این خدمت‌ها را ابتدا به روح رهبر شهید تقدیم می‌کنم و سپس برای اموات، بیماران و همه کسانی که از من التماس دعا داشته‌اند، نیت می‌کنم. از رهبر شهید، روحیه مقاومت و ایستادگی پیام رهبر عزیزمان آقا سیدمجتبی که بر برگزاری پرشور اربعین تأکید داشتند، بافلاصه جلسای برگزار کردم و تصمیم گرفتم موبک را با نام توان برپا نگه دارم. رهبر شهیدمان به شهادت رسید، اما راهی که پیش روی ما ترسیم کرد، روشن و ماندگار است. ما خود را موظف می‌دانیم با حفظ وحدت و روحیه خدمت، این مسیر را ادامه دهیم و تا آخرین روز حضور زائران، با همه توان در خدمت عاشقان حضرت سیدالشهدا(ع) باشیم.»

تبرکی به اندازه یک دانه قند

«یدالله عباسی، اهل شهرستان مهران هستم و حدود پنج سال است که در موبک شهید محمدتقی عباسی به زائران امام حسین(ع) خدمت می‌کنم. در این سال‌ها، خاطرات زیادی از حضور عاشقان حضرت سیدالشهدا(ع) در ذهنم ثبت شده است، اما برخی لحظه‌ها هیچ‌گاه از خاطرم پاک نمی‌شود. خدمت در این مسیر، هر روز درس تازه‌ای از عشق، ایمان و اخلاص به انسان می‌دهد. وقتی می‌بینم زائران با چه ارادتی قدم در این راه می‌گذارند، خستگی از تنم بیرون می‌رود و احساس می‌کنم همه این زحمت‌ها ارزش را دارد. یکی از خاطراتی که همیشه در ذهنم مانده، مربوط به مردی از استان مازندران است. او موبک چای نوشید و بعد از من خواست برای شفاي همسر بیماراش دعا کنم. می‌گفت می‌خواهد چیزی را به عنوان تبرک با خود ببرد. سپس تنها یک دانه بسیار کوچک قند، به اندازه یک دانه عسل، برداشت و داخل پلاستیکی گذاشت تا با خود ببرد و به نیت شفا از آن استفاده کند. وقتی این صحنه را دیدم، به‌شدت متقلب شدم و به او گفتم چنده دانه دیگر هم بردار. اما با لبخند گفت: «نه، همین یکی کافی است.

همان لحظه اشک در چشماتم جمع شد. ایمان و اعتقادی که در دل آن زائر موج می‌زد، برایم درس بزرگی بود. از آن روز، هر وقت به برکت مسیر اربعین و کرامت

توان خود، وفاداری‌مان را به این مکتب نشان دهیم. در این سال‌ها خاطرات زیادی از اربعین دارم. هم تلخ و هم شیرین. تلخ‌ترین خاطراتم مربوط به سال گذشته است. هنگام بازگشت به مهران، یکی از مسافران‌مان را در مسیر از دست دادیم. هر کاری کردیم، دیگر بازنگشت و آن اتفاق هنوز هم برایم دردناک است. امسال هم با رسیدن این روزها، یاد او در ذهنم زنده می‌شود. یکی از امسال، بهترین خاطره زندگی‌ام در اربعین رقم خورد. سال‌های گذشته همیشه تنها به این سفر می‌آمدم و در تمام مسیر از خدا می‌خواستم روزی قسمت شود همراه خوادوام باشم. امسال این آرزو برآورده شد و من در کنار خوادوه قدم برمی‌دارم. حس و حالی که در این روزها تجربه می‌کنم، برایم وصف‌نشدنی است. در این

توان خود، وفاداری‌مان را به این مکتب نشان دهیم. در این سال‌ها خاطرات زیادی از اربعین دارم. هم تلخ و هم شیرین. تلخ‌ترین خاطراتم مربوط به سال گذشته است. هنگام بازگشت به مهران، یکی از مسافران‌مان را در مسیر از دست دادیم. هر کاری کردیم، دیگر بازنگشت و آن اتفاق هنوز هم برایم دردناک است. امسال هم با رسیدن این روزها، یاد او در ذهنم زنده می‌شود. یکی از امسال، بهترین خاطره زندگی‌ام در اربعین رقم خورد. سال‌های گذشته همیشه تنها به این سفر می‌آمدم و در تمام مسیر از خدا می‌خواستم روزی قسمت شود همراه خوادوام باشم. امسال این آرزو برآورده شد و من در کنار خوادوه قدم برمی‌دارم. حس و حالی که در این روزها تجربه می‌کنم، برایم وصف‌نشدنی است. در این



امام حسین(ع) فکر می‌کنم، تصویر همان دانه کوچک قند و امید بزرگ آن مرد در ذهنم زنده می‌شود؛ خاطره‌ای که هیچ‌گاه فراموش‌نمیشم. بخواهم در اربعین خدمت به زائران، پیوندهای خانوادگی خود را نیز محکم‌تر کنند. به برکت امام حسین(ع) و شهید، این توفیق نصیب ما شده و از چند روز پس از اربعین نیز خدمت‌رسانی به زائران ادامه دارد. من تنها ۲۱ روز داشتم که به‌دومر بصورت داوطلبانه راهی جبهه شد و در منطقه شاخ‌شمیران کردستان به شهادت رسید. قسمت نند ایشان را از نزدیک بینم، اما سال‌هاست از دوستان، هم‌زمان و سنگان، خاطرات فراوانی از اخلاص و کرامات او شنیدم. یکی از خاطراتی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، مربوط به یکی از همکارانم است که با مشکلی

حرکت زائران در گرمای ۴۵ تا ۵۰ درجه، تنها یک پیاده‌روی نیست؛ این صحنه، نمایش آیات الهی بر روی زمین و جلوه نصرت خداوند است. آنچه در این مسیر دیده می‌شود، تجلی حقانیت نظام اسلami و پیوند شور حسینی با شعور، ایثار و مقاومت است. با وجود تهدیدها و حملات دشمن به مناطق مرزی ایران، مردم عاشقانه راهی این سفر شده‌اند و این خود بزرگ‌ترین پاسخ به دشمنان است. امروز اربعین، حماسه‌ای از ایثار، مقاومت و همبستگی ملت‌های مسلمان است. حضور مواکب شیعه و اهل سنت در کنار یکدیگر، نشان می‌دهد که پیام اربعین فراتر از مرزها و قومیت‌هاست؛ پیام آزادی‌خواهان جهان، وحدت و همدلی است. همان‌گونه که رهبر شهید فرمودند، ایام امروز در اربعین شاهدان این هستم، تحقق یک «بعثت جهانی» است؛ بعثتی که هر سال پرشکوهرتر از گذشته، مسیر حق را روشن‌تر می‌کند.

روایت پدر شهید احمدی روشن از «مبعوث شدن مردم» رحیم احمدی روشن، پدر شهید و امام جمعی مصطفی احمدی روشن، با وجود مشکلات جسمی اسل سال نیز خود را به مسیر پیاده‌روی اربعین رساند. او این اجتماع عظیم با یاران اندکش ایستاد، اما امروز میلیون‌ها انسان از سراسر جهان عاشقانه نام او را فریاد می‌زنند. بزرگ‌ترین درسی که از امام حسین(ع) گرفتم این است که هیچ‌گاه در برابر ظلم سر خم نکنم، در کنار مظلوم بایستم و در مسیر حق، از سختی‌ها هراسی نداشته باشم.»

اربعین؛ دعوت‌نامه‌ای با امنای حضرت زهرا(س)

«سید روح‌الله یگانه موسوی اهل شهرستان بروجرد در استان لرستان هستم. اگر اشتباه نکنم، این هفدهمین یا هجدهمین باری است که حضرت زهرا(س) اجازه دادند برای پولوسی فرزندان‌شان، حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، به این سفر بایام. سال‌های نخست به‌عنوان اپراتور همراه گروه‌های مختلف در اربعین حضور داشتم، اما چند سالی است که این سعادت نصیبم شده همراه همسر و فرزندانم به زیارت بایام. اعتقاد من این است که سفر امام حسین(ع) از حضرت زهرا(س) پهن می‌کنند و خودشان هم مهمانان این سفره را انتخاب می‌کنند. باور دارم تا ایشان دعوت‌نامه‌ای برای کسی امضا نکنند، توفیق حضور در این مسیر نصیبش نمی‌شود. اگر امروز در عنایت حضرت زهرا(س) می‌دانم، اربعین با هیچ سفر دیگری قابل مقایسه نیست. این مسیر، بیش از هر چیز، صبر و استقامت را به انسان می‌آموزد؛ همان صبری که حضرت زینب(س) پس از واقعه عاشورا از خود نشان دادند. سختی‌های راه بخشی از این سفر است، اما وقتی با شکیبایی آن را پشتسر می‌گذاری، همه آن دشواری‌ها و رنج‌های عظیم و بی‌سلاح، استیکار جهانی را مستاصل و برآمده کرده و نشان داده است که قدرت واقعی، در ایمان و حضور مردم نهفته است.»

وظیفه‌ای که نمی‌شود از آن گشت

«هن نبی‌الله خاکسار، اهل تهران هستم و فکر می‌کنم بیش از ۱۰ بار توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را داشتم. امسال با توجه به شرایط کشور، جنگ و شهادت رهبر عزیزمان، احساس مسئولیت بیشتری



می‌کردم. به نظر حضور در این اجتماع عظیم، بیش از سال‌های گذشته یک وظیفه بود و به همین دلیل تصمیم گرفتم حتماً در این مسیر حضور داشته باشم. اگر امسال نمی‌آمدم، واقعا تاملش برایم سخت بود. بیش از ده سال است که هر سال در این مسیر قدم برمی‌دارم و تصور اینکه یک سال از این توفیق محروم شوم، برایم غیرقابل باور بود.

زیارت امام حسین(ع)، به‌ویژه در ایام اربعین، حال و هوای دیگری دارد. وقتی در این مسیر قدم می‌زنم، ناخودآگاه به حال حضرت زینب(س)، عاشقان و رنج‌هایی می‌افتم که پس از عاشورا در همین مسیر تحمل کردند. همین یادآوری، معنویت خاصی به این سفر می‌بخشد. به باور من، اربعین بیش از آنکه سفر باشد، سفر دل است. عشق به امام حسین(ع) و معنویتی که در این راه جریان دارد، با هیچ سفر دیگری قابل مقایسه نیست. اگر قرار باشد تنها یک درس از عاشورا انتخاب کنم، آن درس «هیچ‌گاه من‌الذله است؛ همان پیامی که امام حسین(ع) به همه آزادگان جهان موخت؛ اینکه انسان در برابر ظلم و ستم، هرگز نباید سر تسلیم فرود آورد. در این سال‌ها صحنه‌های زیبایی فراوانی دیدم. اما یکی از ماندگارترین آنها مربوط به مردی عراقی بود که از نظر مالی زندگی سادای داشت و شغلش ماهیگیری بود. او برایم تعریف کرد که هر سال نیمی از درآمدش را کنار می‌گذارد تا در ایام اربعین صرف پذیرایی از زائران امام حسین(ع) کند. این میزان از ایثار و اخلاص، برای من درس بزرگی بود. شاید توانم از اتفاق خاصی بگویم که احساس کرده باشم امام حسین(ع) دستم را گرفته است. اما همیشه این باور را دارم که لطف حضرت همراه ماست و در همه لحظه‌ها هوای زائرانش را دارد. از مردم عراق نیز بیش از هر چیز، احسان، کرامت و مهمان‌نوازی را یاد گرفتم. آنها با همه وجود از زائران پذیرایی می‌کنند و این حسرت‌ناخشان، یکی از زیباترین تجربه‌های اربعین است. اگر فرصت داشتم قدم در مسیر رهبر شهیدمان در میان ما نیست، اما روح، حماسه، وفاداری و ایثار ایشان را در این مسیر برپوشانی می‌توان دید. امروز رهبر شهید را به عنوان نخستین زائر اربعین اباعبدالله الحسین(ع) می‌بینیم و حضور عاشقانه صاحب‌الزمان(عج) باشد.»

اربعین؛ بعثتی جهانی برای مقاومت

یعقوب سلیمانی، معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، اربعین امسال را متفاوت از سال‌های گذشته می‌داند. او معتقد است حضور میلیون‌ی زائران در گرمای سوزان، جلوه‌ای از نصرت الهی، حقانیت نظام اسلامی و تحقق بعثتی جهانی» است؛ بعثتی که به گفته او، پیام وحدت و مقاومت را به جهان مغایره می‌دهد. اربعین امسال سال و هوای دیگری دارد. اگرچه جسم رهبر شهیدمان در میان ما نیست، اما روح، حماسه، وفاداری و ایثار ایشان را در این مسیر برپوشانی می‌توان دید. امروز رهبر شهید را به عنوان نخستین زائر اربعین اباعبدالله الحسین(ع) می‌بینیم و حضور عاشقانه و مقاومت خواهد بود.»